

## بحران‌های گذشته و چالش‌های فراروی

# جنبش دانشجویی



○ علی عنایتی شبکلابی  
پژوهشگر علوم سیاسی

### مقدمه

تحوّلات دو سال اخیر در دانشگاه‌ها و تحرک و پویایی تشکّل‌ها و گروه‌های دانشجویی، زمینه و فرصتی را برای نویسندگان و صاحب‌نظران به وجود آورد تا به بازخوانی و بررسی جنبش دانشجویی در گذشته و حال و رفتارشناسی دانشجویان بپردازند. انتشار چندین کتاب در زمینه جنبش دانشجویی در سال‌های ۷۸ و ۷۹ بیانگر این موضوع است.<sup>۱</sup> این در حالیست که از اوایل دهه ۷۰ بحث رکود جنبش دانشجویی و کاهش فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان مورد توجه و اهتمام قرار گرفته بود. این وضع به گونه‌ای بود که حتی مسؤولان عالی‌رتبه نسبت به کم‌تحرکی و فقدان پویایی تشکّل‌های دانشجویی هشدار می‌دادند و دانشجویان را به شرکت فعال‌تر در امور سیاسی و اجتماعی کشور فرا می‌خواندند.<sup>۲</sup> زیرا کمتر دورانی را در تاریخ معاصر کشورمان می‌توان یافت که در آن فعالیت اجتماعی و سیاسی دانشجویان تا این حد کاهش یافته باشد. قاعده بر این بود که دانشجویان، متقاضی شرکت فعال در امور سیاسی باشند و حکومت بازدارنده این اشتیاق باشد. اما در عمل چیز دیگری اتفاق افتاده بود. اینکه چرا دانشجویان علاقه چندانی به فعالیت اجتماعی و سیاسی از خود نشان نمی‌دهند، موضوعی است که در اینجا قصد بررسی و تحلیل آن را نداریم. اما به طور خلاصه می‌توان

به دلایلی چند اشاره کرد. از دلایل این امر یکی محدودیت ساختاری است که برای متشکل شدن دانشجویان در دانشگاه‌ها وجود دارد. برای آماده شدن زمینه فعالیت سیاسی، باید شرایط و عوامل لازم که مهمترین آنها ایجاد نوعی امنیت، ثبات و شرایط حقوقی و نهادی است، فراهم باشد. اما سیاست‌هایی که در دانشگاه‌ها اعمال شده است، نهادها و دستگاه‌هایی که شکل گرفته‌اند و فاصله افتادن میان نسل‌های دانشجویی و از میان رفتن پیوستگی و استمرار طبیعی روند حرکت طبیعی دانشجویان، به عنوان عمده‌ترین موانع ساختاری فعالیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان به شمار می‌رود.<sup>۳</sup>

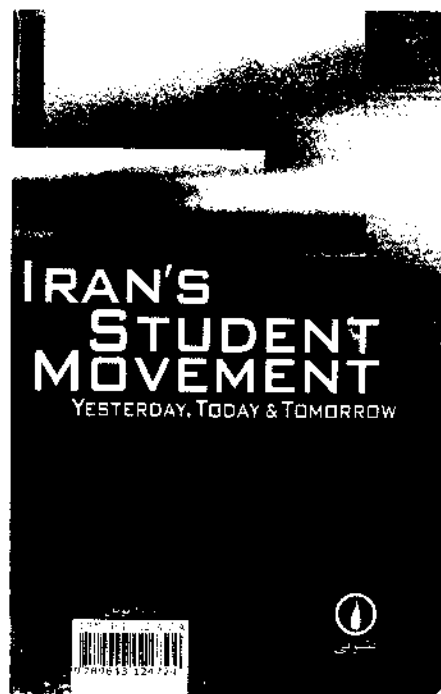
دلیل دیگر پرهیز دانشجویان از فعالیت متشکل سیاسی و اجتماعی را می‌توان در شناسایی شدن این تشکّل‌ها با حکومت، در دوران پس از انقلاب دانست. در حالی که یکی از ویژگی‌ها و در عین حال جنابیت‌های فعالیت دانشجویی، موضع انتقادی آن نسبت به حکومت است. تجربه فعالیت‌های متشکل غیردانشجویی نیز گویای همین واقعیت است که نزدیکی یک سازمان به حکومت همواره از محبوبیت آن می‌کاهد.<sup>۴</sup>

علت دیگر افت و کاهش چشمگیر فعالیت اجتماعی دانشجویی را باید در جایجایی الگوی مشارکت سیاسی آنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون مشاهده کرد.

○ دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی ایران  
○ به اهتمام مسعود سفیری  
○ نشر نی  
○ ۱۳۷۸، ۲۲۲ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه

برای آماده شدن زمینه فعالیت سیاسی باید شرایط و عوامل لازم که مهمترین آنها ایجاد نوعی امنیت، ثبات و شرایط حقوقی و نهادی است، فراهم باشد

تجربه فعالیت های متشکل غیردانشجویی نیز گویای همین واقعیت است که نزدیکی یک سازمان به حکومت همواره از محبوبیت آن می کاهد



نبود گروه های مستقل دانشجویی که بتوانند با الگوهای دموکراتیک گرایش های ناهمگون فکری و رفتاری دانشجویان را سازماندهی کنند از موانع عمده جذب دانشجویان در این تشکلهای و در نتیجه آماده سازی آنها برای مشارکت سیاسی به شمار می آید

تحرك و فعالیت های سیاسی دانشجویان پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ افزایش یافته است؛ به گونه ای که دانشجویان در متن بسیاری از تحولات و رویدادهای جامعه حضور می یابند

همراه می شود و براساس نکات، محورها و موضوعات مطرح شده، پرسش ها را پی می گیرد. ویژگی های شخصیتی و فکری دانشجویان، ماهیت و کارکردهای جنبش دانشجویی، دوره ها و روندهای فعالیت جنبش دانشجویی، و موقعیت کنونی این جنبش از عمده ترین محورهای مطرح شده در گفتگوها و مقالات کتاب است که ذیلاً به بررسی آن می پردازیم.

#### الف) شکل گیری جنبش دانشجویی

در مورد شکل گیری جنبش دانشجویی دیدگاه های متفاوتی را در لابه لای گفتگوها مشاهده می کنیم. حجازیان می گوید: «قدمت جنبش دانشجویی در ایران شاید به زمان اعزام نخستین گروه دانشجویان ایرانی به خارج از کشور بازرگردد.» (ص ۶۳). و در این باره می افزاید: «در آن هنگام جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان، محفلهای دانشجویی تشکیل دادند و نشریاتی منتشر کردند، شاید بتوان آنان را پیشگامان جنبش دانشجویی در ایران دانست.» در برابر این عقیده برخی آغاز فعالیت و تحركات دانشجویی را به تاسیس دانشگاه تهران نسبت می دهند. (سحابی، ص ۲۷ و زیباکلام، ص ۱۲۹). اما عمادالدین باقی همزمانی شکل گیری جنبش دانشجویی را با تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ در می کند و معتقد است در آن مقطع به دلیل جاذبه دانشگاه، محدود بودن تعداد دانشجویان، حضور قشر فرادست (مرغه) در دانشگاه و گزینشی بودن دانشجویان، امکان فعالیت های دانشجویی و شکل گیری جنبش دانشجویی فراهم نبود. (صص ۹۴-۹۳). آخرین مقطعی که به عنوان آغاز جنبش دانشجویی مطرح می شود، پس از شهریور ۱۳۲۰ است. اصغرزاده ضمن طرح این موضوع می گوید: «مبدأ پیدایش جنبش دانشجویی را شاید بتوان آغاز سقوط دیکتاتوری رضاخان دانست ولی قبل از آن هم شاهد تحركات دانشجویی بودیم.» (ص ۱۱۰)

در مورد زمینه شکل گیری جنبش دانشجویی نیز عوامل مختلفی مطرح است. باقی جنبش دانشجویی را «محصول جامعه بسته (از نظر سیاسی)» و نیز «شرایط بحرانی یا ایدئولوژیک شدن بخشی از جامعه» می داند. (صص ۹۲-۹۱). اصغرزاده جنبش دانشجویی را «محصول

گفتگوهای را با چند نفر از روزنامه نگاران، و استادان دانشگاه و فعالان سیاسی که بیشتر آنها سابقه فعالیت در جنبش دانشجویی داشته اند، انجام داده است. کتاب دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی ایران، حاصل این گفتگوهاست.

#### یکم: مروری بر محتوا

کتاب، شامل ده گفتگو و سه مقاله است. گفتگوها با چند نفر از استادان دانشگاهها (سیدحسین سیفزاده، حاتم قادری و صادق زیبا کلام) و برخی شخصیت های سیاسی که بیشتر آن ها دارای سابقه فعالیت مؤثر در جنبش دانشجویی بوده اند، (عباس عبدی، سعید حجازیان، ابراهیم اصغرزاده، محسن میردامادی، عزت الله سحابی، پرویز ورجاوند و عمادالدین باقی) انجام شده است. سه روزنامه نگار (احمد زیدآبادی نژاد، بهروز گرانپایه و غلامرضا عسگری) نیز مقالات خود را پیرامون جنبش دانشجویی در اختیار همکارشان، مسعود سفیری، قرار داده اند تا او با گردآوری مجموعه گفتگوها و مقالات در انتشار کتاب اهتمام ورزد.

سفیری با پیشگفتاری در ابتدای کتاب، روش و روند انجام گفتگوها و گردآوری کتاب را توضیح می دهد و سپس در مقدمه ای ۸ صفحه ای به بررسی گذرای نقش تاریخی جنبش دانشجویی در دوره های مختلف تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می پردازد. روند بحث او در مقدمه از بررسی تاریخی شروع شده و به توصیف و تجویز منتهی می شود. به نظر می رسد مقدمه کتاب برداشت آزاد و گزیده ای از مباحث مطرح شده در بخش های مختلف کتاب است.

گفتگو با سیفزاده، دانشیار روابط بین المللی دانشگاه تهران، اولین قسمت کتاب است. در حالی که گردآورنده در پیشگفتار اشاره می کند که اولین گفتگو در این زمینه با اصغرزاده انجام شده و ایده گفتگوهای بعدی نیز پس از آن شکل گرفته است. به حرحال گفتگوکننده دلیل یا دلایلی برای تقدم و تأخر گفتگوها در متن کتاب مطرح نمی کند. بحث محوری گفتگوها، بررسی نقش جنبش های دانشجویی در تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران است. با این حال در هر گفتگویی، گفتگوکننده با گفتگوشونده

وضعیت و شرایط ویژه دوره های مختلف پس از انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، بازسازی و حرکت دوم خرداد ۷۶، الگوهای متفاوتی از فعالیت اجتماعی را متناسب با تحولات و ویژگی های آن دوره ها اقتضا می کرد. این در حالی است که الگوهای جدیدی تدوین نشده و جنبش دانشجویی توان ادامه الگوهای پیشین را نیز نداشته است.

یکی دیگر از موانع مشارکت سیاسی دانشجویان؛ ضعف تشکلهای دانشجویی در مشارکت سیاسی بوده است. عامل عمده برای شکل دهی و انجام دیدگاه های سیاسی و اجتماعی، وجود تشکلهایی است که توانایی جذب دانشجویان را داشته باشند. اما نبود گروه های مستقل دانشجویی که بتوانند با الگوهای دموکراتیک، گرایش های ناهمگون فکری و رفتاری دانشجویان را سازماندهی کنند، از موانع عمده جذب دانشجویان در این تشکلهای و در نتیجه آماده سازی آنها برای مشارکت سیاسی به شمار می آید. ضمن اینکه برخی از تشکلهای موجود با تندروی در رفتار سیاسی و برخی با عدم تحمل گرایش های دیگر عامل کناره گیری دانشجویان از فعالیت سیاسی - اجتماعی شده اند.

علاوه بر عوامل یاد شده برخی محدودیت های نسبتاً پایدار در ماهیت و کارکرد دانشگاهها و دانشجو وجود دارد که به خودی خود می تواند به عنوان مانع فعالیت سیاسی - اجتماعی دانشجویان مطرح باشد. نداشتن علاقه شخصی، نداشتن منافع، نیازهای مالی، پایین بودن اطلاعات سیاسی و اجتماعی، توجه صرف به مسایل علمی و نظری، هراس از دست دادن فرصت ها و موقعیت ها، تصور به بازی گرفته نشدن و روشن نبودن تعریف ماهیت و حدود فعالیت سیاسی و اجتماعی از جمله این موانع هستند.<sup>۵</sup>

با وجود پایداری نسبی برخی از موانع و محدودیت های یاد شده تحرك و فعالیت های سیاسی دانشجویان پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ افزایش یافته است. به گونه ای که دانشجویان در متن بسیاری از تحولات و رویدادهای جامعه حضور می یابند. این امر موجب توجه بیشتر به جنبش دانشجویی در ایران امروز شده است. بر همین اساس مسعود سفیری، دبیر سرویس سیاسی روزنامه اخبار،

دوره‌های مختلف شکل‌گیری و فعالیت جنبش دانشجویی

ردیف	دوره	زمینه شکل‌گیری	راهبردهای اصلی	تشکل‌های اصلی	اهداف	میدان فعالیت	تکثر	رابطه با حکومت
۱	پیش از پیروزی انقلاب اسلامی	مدرنیزاسیون و جامعه‌بسته	مبارزه با رژیم	گروه‌های چپ، ملی و اسلامی	براندازی نظام	گسترده	گسترده	سبزی
۲	از انقلاب اسلامی تا انقلاب فرهنگی	پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم پیشین و عدم تثبیت نظام سیاسی	مبارزه در رژیم	تمام گروه‌هایی که با رژیم گذشته مبارزه کرده و همچنین، تشکل‌ها و گروه‌های تازه تأسیس	کسب قدرت	گسترده	گسترده	انتقاد موافقت
۳	دوره جنگ تحمیلی	انقلاب فرهنگی، تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ تحمیلی	همگامی با نظام سیاسی	انجمن‌های اسلامی	مشارکت با نظام	متوسط	محدود	حمایت
۴	دوره سازندگی	پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام (ره)	مبارزه پنهان	انجمن‌های اسلامی و تشکل‌های وابسته به دولت	انفعال سیاسی	محدود	محدود	انتقاد و بی‌تفاوتی
۵	از دوم خرداد ۷۶ تا کنون	طرح ایده‌های جدید	استقلال و عدم وابستگی به حکومت	انجمن‌های اسلامی، تشکل‌های وابسته به احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکل‌های وابسته به سازمان‌ها و نهادهای حکومتی	مشارکت فعال	گسترده	گسترده	مشارکت و انتقاد

یک شرایط تاریخی و بازناب آگاهی دانشجویان می‌داند. (ص ۱۱۶) او در تبیین شرایط تاریخی می‌گوید: «جنبش دانشجویی هنگامی اعلام حضور می‌کند که تحولاتی به وجود آمده است. یعنی جامعه وقتی آستان حوادث و تحولات می‌شود، جنبش دانشجویی وارد بازی می‌شود.» (ص ۱۲۰) در مورد علل فعال شدن جنبش دانشجویی در رژیم گذشته، علاوه بر شرایط یاد شده و مخالفت دانشجویان با رژیم سابق، از «مدرنیزاسیون» نیز به عنوان علتی عمده یاد می‌شود. حجاجیان با طرح این نظر معتقد است چون مدرنیزاسیون در رژیم گذشته موجب افزایش دانشگاه‌ها و افزایش ورود طبقات فرودست و میانی به دانشگاه‌ها شد، جنبش دانشجویی به تشدید فعالیت خود پرداخت. (ص ۶۳)

ب) کارکردهای جنبش دانشجویی

برای جنبش دانشجویی کارکردهای گوناگونی مطرح می‌شود. علاوه بر وظایف عامی که تقریباً برای بیشتر جنبش‌های اجتماعی می‌توان برشمرد، جنبش دانشجویی کارکردهای اختصاصی نیز دارد. در این کتاب کارشناسان، به طور ضمنی و در لابه‌لای گفتگو به برخی از این کارکردها اشاره کرده‌اند:

- ۱- جنبش دانشجویی در شکل کلی و فشرده خود می‌تواند نقش ایده‌های پیش‌تاز را ایفا کند. جنبش دانشجویی بدنه اصلی روشنفکری را تشکیل می‌دهد و می‌تواند وجدان بیدار، صدای اعتراض و نبض حیات سیاسی و اجتماعی یک جامعه باشد. (قادری، ص ۴۵)
- ۲- جنبش دانشجویی در بسیج نیروها و زنده نگهداشتن فضای سیاسی نقش بسزایی داشته است. (عبدی، ص ۵۱)
- ۳- جنبش دانشجویی حلقه واسط احزاب و نظام سیاسی با مردم است.
- ۴- جنبش دانشجویی حداقل میان روشنفکران (نخبگان فکری) با توده مردم یا دیگر طبقات است.
- ۵- جنبش دانشجویی پیگیر مطالبات مردم از حکومت است و بر حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان تأکید دارد.
- ۶- یکی از کارکردهای جنبش دانشجویی، دادن پتانسیل به اعضای خود برای ورود به حوزه‌های سیاسی و

اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری است. هرچند در این زمینه دیدگاه‌ها متفاوت است. برای نمونه در حالی که قاعدی معرفی حرکت‌های مستقل و سیاسی و حتی معرفی کاندید از سوی بخشی از جنبش دانشجویی را تجربه‌ای مثبت و بی‌نظیر ارزیابی می‌کند، (ص ۴۵) عبیدی معتقد است جنبش دانشجویی نمی‌تواند نقش سیاسی ایجابی داشته باشد، یعنی نمی‌تواند وزیر به کابینه و نماینده به مجلس بفرستد. آنها تا حدی که توانشان اجازه می‌دهد مخالفت می‌کنند ولی کار آنها توسط نهادهای مدنی باید دنبال شود. در کشورهایی که احزاب حضور دارند، یک حزب یا یک دسته از سیاست‌ها مخالفت می‌کند تا وقتی که به قدرت رسید، سیاست‌های خود را اجرا نماید. اما جنبش دانشجویی تنها می‌تواند مخالفت کند. جنبش دانشجویی شرایط، آمادگی و ادعای کسب قدرت را ندارد. (صص ۵۲-۵۱)

ج) دوره‌های مختلف جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی در ایران از نظر ساختار، ماهیت ایدئولوژی و همچنین کارکرد و موضع‌گیری نسبت به نظام سیاسی - از شکل‌گیری تاکنون - دوره‌های مختلفی را طی کرده است. هرچند در مورد این دوره‌ها نیز توافق کامل وجود ندارد ولی با اندکی تفاوت تقریباً همه گفتگو‌شوندگان و نویسندگان مقالات کتاب، می‌پذیرند که «جنبش دانشجویی ایران با تمایلات چپ متولد شد، با اندیشه‌های ملی رشد یافت و با اندیشه‌های مذهبی (اسلامی) به پیروزی رسید» (اصغرزاده، ص ۱۱۳). اگر بخواهیم به صورت تاریخی این دوره‌ها را مشخص کنیم، با در نظر گرفتن شکل‌گیری جنبش دانشجویی از شهریور ۱۳۲۰، می‌توان گفت اوایل دهه ۲۰، دوره فعالیت حزب توده و هوادارانش در دانشگاه‌ها بود. از اواخر همین دهه، ملی‌گراها نفوذ و حضور خود را در دانشگاه‌ها گسترش می‌دهند و از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰، گروه‌های مذهبی (اسلامی)، عمده‌ترین بخش جنبش دانشجویی را شامل می‌شوند. (زیا کلام، ص ۱۲۰). با وجود این، بیشتر گفتگو‌شوندگان به طور کلی جنبش دانشجویی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را در یک دوره جای می‌دهند و دلیل عمده آن را

مبارزه جنبش دانشجویی با رژیم گذشته ذکر می‌کنند. در واقع مشخصه عمده فعالیت‌های دانشجویی، چه به صورت حزبی - سیاسی و چه به گونه عقیدتی - سیاسی و چه به شکل مبارزه مسلحانه، که برخی از دانشجویان وابسته به گروه‌های سیاسی، آن را دنبال می‌کردند، مبارزه و تلاش برای سرنگونی نظام مستقر بوده است.

در مورد دوره‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختلاف بیشتر است و برخی این مقطع را به سه دوره و برخی به چهار دوره تقسیم می‌کنند. گروه نخست، این دوره‌ها را شامل مراحل زیر می‌داند:

از پیروزی انقلاب اسلامی تا تعطیلی دانشگاه‌ها، دوره جنگ تحمیلی و از پایان جنگ تحمیلی تاکنون.

گاهی نیز دوره‌های سه گانه را به این صورت تعریف می‌کنند: از پیروزی انقلاب تا انقلاب فرهنگی؛ از انقلاب فرهنگی تا سال ۷۶ و از خرداد ۷۶ تاکنون.

اما تقسیم‌بندی چهار مرحله‌ای از تحولات جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی به صورت زیر است:

از پیروزی انقلاب اسلامی تا تعطیلی دانشگاه‌ها؛ دوره جنگ تحمیلی؛ دوره سازندگی و از دوم خرداد تاکنون.

برای درک بهتر این دوره‌ها و ویژگی‌های آنها جدول فوق تنظیم شده است.

د) مسایل و چالش‌های جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی در شرایط کنونی جامعه با فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو است. اگر این جنبش توان و امکان بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله در برابر چالش‌ها را داشته باشد، می‌توان به آینده آن امیدوار بود. «باتا مور» برای موفقیت جنبش‌های اجتماعی دو شرط برمی‌شمارد. ۱- به نظر او در وهله اول لازم است که این گونه جنبش‌ها دکترینی را تنظیم کنند که توانایی برانگیختن شور و اشتیاق و تفهد در مورد فعالیت‌های سیاسی ملوم را داشته باشند. این دکترین باید مشتمل بر یک تئوری اجتماعی باشد که بتواند مسایل اصلی را توضیح دهد. هدف‌ها و راه‌های رسیدن به آنها را روشن ساخته و طرح کلی اشکال دیگر جامعه را ترسیم کند. دومین شرط برای موفقیت جنبش اجتماعی اینست که در نقطه‌ای از گسترش خود، گروه‌های

سیاسی سازمان یافته‌ای ایجاد کند یا سازمان‌های سیاسی موجود را که می‌توانند مستقیماً درگیر مبارزه برای به دست آوردن قدرت شوند و پس از به دست آوردن قدرت ظرفیت استفاده از آن را برای بازسازی جامعه دارا باشند، برای اجرای مقاصد خود به کار گیرند.<sup>۲</sup> جنبش دانشجویی در حال حاضر از این دو شرط به طور نسبی برخوردار است. هرچند جنبش دانشجویی تئوری سیاسی- اجتماعی ندارد. (حجاریان، ص ۷۲). اما به سوی نظریه‌پردازی حرکت می‌کند (سیف‌زاده، ص ۳۶). اکنون شعارهای جنبش دانشجویی تغییر کرده است، زیرا این جنبش دنباله‌رو تفکر گذشته نیست و دانشجویان در حال بازتولید رفتار و مناسبات اجتماعی خود متناسب با مقتضیات جامعه هستند. با توجه به دومین شرط مورد نظر باتامور برای موفقیت جنبش‌های اجتماعی باید گفت اکنون جنبش دانشجویی تکثرگرا شده و اگر این تکثر به پراکندگی منجر نشود، ظرفیت و توان جنبش دانشجویی افزایش می‌یابد. جنبش دانشجویی باید از فراگیری لازم برخوردار باشد تا بتواند تشکلهای گوناگون را در خود جای دهد. از سوی دیگر جنبش دانشجویی همانند جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های موجود در جامعه با تعارض‌هایی روبروست که باید برای آنها پاسخ مناسبی بیابد. برخی از عمده‌ترین این تعارض‌ها عبارتند از:<sup>۳</sup>

- ۱- وابستگی به حکومت یا استقلال از حکومت
- ۲- متحد یا منتقد دولت بودن
- ۳- گسست از گذشته یا بازگشت به گذشته
- ۴- وفاداری به سنت یا گرایش به مدرنیته
- ۵- اعتقاد به الگوی نظام دینی یا نظام عرضی
- ۶- پذیرش رفتار ایدئولوژیک یا غیر ایدئولوژیک
- ۷- سیاسی یا غیرسیاسی بودن
- ۸- گرایش به رفتارهای انقلابی یا رفتارهای اصلاحی
- ۹- رفتار مطابق جنبش‌های هموار (even movements) یا جنبش‌های ناهموار (Uneven movements)

علاوه بر موارد یاد شده جنبش دانشجویی به طور خاص با چالش‌های دیگری نیز روبروست که در کارآمدی آن مؤثر است. فهرستی از این چالش‌ها و محدودیت‌ها به شرح زیر است:<sup>۴</sup>

فقدان انسجام و سازمان یافتگی مناسب جنبش، نداشتن برنامه و هدف یا گفتمان مشخص، خروج بخشی (هرچند اندک) از دانشجویان از مسیر گفتگوی منطقی و قرار گرفتن در مسیر ستیز و خشونت (رادیکالیزه شدن)، شکاف میان مردم و دانشجویان و دور شدن آنها از علایق و مسایل مردم، بازماندن دانشجویان از کارهای علمی و فکری، کم توجهی به افزایش آگاهی‌ها و دانش سیاسی، هزینه شدن بخشی از توان جنبش دانشجویی در تضاد و رقابت میان تشکلهای آن، ناتوانی در کانالیزه کردن و مطرح نمودن مطالبات اجتماعی، گسست تاریخی در جنبش دانشجویی و ناتوانی در انتقال و استفاده از تجربیات، حفظ ساختار سنتی درونی با وجود تغییرات بیرونی (محیطی)، ناتوانی در تبدیل دغدغه‌های ذهنی به اندیشه‌های راهبردی، گرفتار شدن بخشی از جنبش دانشجویی در بحران هویت، وابستگی فکری و مالی، ناتوانی در برخورد با چالش‌ها و مدیریت بحران، فقدان فراگیری جنبش دانشجویی (ناتوانی در تحقق وحدت در عین کثرت)، برعهده گرفتن نقش

احزاب یا گروه‌های فشار از سوی بخشی از جنبش دانشجویی، نداشتن تئوری قوی به عنوان پشتوانه جنبش دانشجویی و برخورد انفعالی و واکنشی با تحولات و رویدادها.

### دوم: نکاتی در نقد کتاب

کتاب «دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی» از جنبه‌های مختلف قابل نقد است که بخش عمده آن به روش گفتگو و پرسش‌های گردآورنده کتاب مربوط می‌شود. ۱- اولین نکته در نقد کتاب به انتخاب گفتگوشونده‌ها مربوط می‌شود. هرچند افراد شاخصی برای گفتگو برگزیده شده‌اند، اما گرایش‌های نزدیک گفتگوشونده‌ها به یکدیگر امکان طرح نظریات و دیدگاه‌های متفاوت را سلب کرده است. گردآورنده کتاب حتی در بخش مقالات نیز همین روند را دنبال کرده و توضیحی نیز ارائه نکرده است. ۲- آنچه در بالا اشاره شد به محتوای کتاب نیز آسیب می‌رساند که عمده آن به طرح یک طرفه موضوعات و تکراری بودن بسیاری از نظرات بر می‌گردد. این وضع وقتی جدی‌تر می‌شود که بسیاری از پرسش‌ها نیز تکرار می‌شوند، درحالی که پاسخ‌ها نیز مشابه هستند.

۳- گفتگوشونده پرسش‌ها را با بررسی نقش جنبش‌های دانشجویی در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی آغاز می‌کند اما در ادامه با گفتگو شونده همراه می‌شود و براساس نظرات و علایق پاسخ‌دهنده، گفتگو را دنبال می‌کند. به همین دلیل برخی از پرسش‌ها با موضوع بی‌ارتباط است.

با وجود این، کتاب حاضر به چند دلیل کتابی خواندنی، بدیع و قابل تأمل است. در پیشگفتار مسعود سفیری اشاره می‌کند که قرار شد به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی، نقش جنبش دانشجویی در سلسله مصاحبه‌هایی مورد ارزیابی قرار گیرد. به نظر می‌رسد در تأمین این هدف، گفتگوشونده تا حدودی موفق بوده است. از یک کتاب نباید توقع پاسخ به همه پرسش‌ها و انتظارات را داشت. نکته مثبت دوم در این کتاب آن است که به فهم کلی پدیده جنبش دانشجویی و تحولات آن کمک می‌کند. طرح پرسش‌هایی در مورد هدف‌ها، راهبردها، روش‌ها و ابزارهای فعالیت و رفتار جنبش دانشجویی، بحران‌ها و چالش‌های موجود در میان دانشجویان و آرمان‌های سیاسی و اجتماعی که جنبش دانشجویی به دنبال آن است، از محورهایی به شمار می‌رود که به روشن شدن و درک ماهیت، ساختار و کارکرد جنبش کمک می‌کند.

نقطه قوت دیگر کتاب، علیرغم ضعف در سبک و برخی از کاستی‌های مفهومی، از نظر محتوا جذاب و پربار است و همین امر موجب می‌شود که ارزش خواندن داشته باشد و مهمتر اینکه ارزش فکر کردن و تحقیق بیشتر درباره محورها و موضوعات مطرح شده را دارد. اگر این کتاب خود زمینه و یا حتی بهانه‌ای برای تألیف‌ها و پژوهش‌های دیگر در مورد جنبش دانشجویی شود، بخشی از هدف مؤلف حاصل شده و پاسخ قسمتی از نیازها و پرسش‌های علاقمندان به دست آمده است.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- این کتاب‌ها عبارتند از:  
- باقی، عمادالدین؛ تاریخ جنبش دانشجویی ایران، تهران: جامعه ایرانیان، ۱۳۳۹.  
- شوکت، حمید؛ کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) تهران، عطایی، ۱۳۷۸.  
- متین، آقین؛ کنفدراسیون: تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (۵۷-۱۳۳۲)، ترجمه ارسطو آزادی، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸.  
- محمدی، مجید؛ درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز، تهران: کویر، ۱۳۷۸.  
- زکریایی، محمدعلی؛ هجدهم تیرماه ۷۸ به روایت جناح‌های سیاسی، تهران: کویر، ۱۳۷۸.  
- زکریایی، محمدعلی؛ کوی دانشگاه به روایت رسانه‌ها، تهران: کویر، ۱۳۷۸.  
۲- مقام معظم رهبری در این زمینه در چند سخنرانی بر این نکته تأکید کردند. برگزاری سمینارهایی درباره مشارکت سیاسی دانشجویان و چاپ مقالاتی در این زمینه بیانگر این امر است. برای نمونه مراجعه کنید به:  
- همایش «مشارکت سیاسی دانشجویان: موانع و راه حل‌ها»، اداره تشکلهای سیاسی نهاد نمایندگی ولی فقیه، در دانشگاه آزاد اسلامی، بهار ۱۳۷۵.  
- سمینار «دانشگاه و سیاست»، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۴.  
- محمدحسین ترکمن، «عوامل اصلی رکود فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه چیست؟»، رساله ۹/۱۶، ۱۳۷۲.  
- خجسته آزادی (گزارشگر)، «چرا از مشارکت سیاسی می‌پرسید؟ آینده‌ام به خطر می‌افتد»، ایران فردا، شماره ۱۶، بهمن ۱۳۷۳.  
- حرکت دانشجویی، سکوتی ناخواسته و راه‌های برون رفت از رکود، کیهان سال ۱۳۷۲، صص ۴۹-۴۲.  
۳- عنایتی شبکلائی، علی. «موانع درونی و بیرونی مشارکت سیاسی دانشجویان»، جامعه ۲۲ اردیبهشت، ۱۳۷۷، شماره ۶۳، صص ۱۱.  
۴- ثقفی، مراد؛ «دانشجو، دولت و انقلاب»، گفتگو، شماره ۵، زمان ۱۳۷۳، صص ۹.  
۵- برای آگاهی بیشتر در مورد موانع یاد شده نگاه کنید به: عنایتی شبکلائی، منح پیشین.  
۶- باتامور، تی بی؛ جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صوری کاشانی، کیهان، ۱۳۶۶، صص ۵۶.  
۷- همان منبع، صص ۶۲-۶۲.  
۸- این تعارض‌ها، برداشت و تاختی از گفتگو با محسن میردامادی و ابراهیم اصغرزاده و مقاله بهروز گرانیپناه است. عناوین تعارض‌ها عمدتاً از نگارنده است.  
۹- «جنبش‌های هموار» به جنبش‌هایی گفته می‌شود که در آن حاملان جنبش، تقاضاهای خود را از روش‌ها و ابزارهای شناخته شده پی بگیرند و از قبل تا حدودی، براساس نظریه‌های، مسیر جنبش قابل پیش‌بینی است. از جمله این ابزارها چاپ کتاب، مطبوعات و نشست‌های علمی است. در مقابل «جنبش‌های ناهموار» به جنبش‌هایی گفته می‌شود که گفتمان‌های آن شکل گرفته است ولی حاملان جنبش برای تحقق تقاضاها و اهداف گفتمان به درستی نمی‌توانند از کانال‌های مسالمت‌آمیز و قانونی استفاده کنند. در این جنبش پیش‌بینی میسر نیست و هر روز ممکن است حادثه‌ای رخ دهد.  
نگاه کنید به حمیدرضا جلالی پور «آینده جنبش دوم خرداد»، بیان، ۱۰ خرداد ماه ۱۳۷۹، صص ۶.  
۱۰- آقایان سیف‌زاده، قادری، عبیدی، باقی و اصغرزاده هریک به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌کنند.